

دادسرای استان بموجب نامه شماره ۳۵۲۰۷ - ۳۴/۱۰/۱۵ قرار باز پرسى ارتش را به شعبه اول دادگاه عالى جنائى ارسال و شعبه نامبرده بموجب رأى مورخه ۳۴/۱۱۰/۲۸ به اين خلاصه اظهارنظر نموده که موضوع مطروحه در دادگاه جنائى اتهام خليل طهماسبى بقتل مرحوم سپهد رزم آراء و ايراد جرح به پاسبان در حين انجام وظيفه و حمل اسلحه قاچاق است، و اتهام مجتبى نواب صفوى هم معاونت در قتل مرحوم سپهد رزم آراء مى باشد که دادستان تهران عليه نامبردگان کيفرخواست صادر و بزه هاى متسبب در صلاحيت ديوان جنائى بوده و بشرح منعکس در پرونده هم اقدامات قانونى از طرف دادگاه بعمل آمده و آن اقدامات حاکی است که دادگاه جنائى خود را صالح دانسته و سوء قصد عليه جناب آقاى علاء امر حادثى است و موجبى براى نفي صلاحيت دادگاه جنائى نسبت به اتهام طهماسبى و نواب صفوى راجع به قتل رزم آراء وجود ندارد و چون فوت دو نفر متهم نامبرده از طرف دادستان استان اعلام شده و تقاضاى صدور قرار موقوفى تعقيب نموده اند و فوت آنها محرز است، طبق شق یک از ماده ۸ قانون آئين دادرسى کيفرى قرار موقوفى تعقيب دو نفر متهم مذکور (خليل طهماسبى و نواب صفوى) صادر و اعلام میگردد.

<http://www.chebayadkard.com>

دادسرای استان بموجب نامه شماره ۳۶۴۷۵ - ۳۴/۱۱/۷ باستناد آنکه باز پرسى شعبه اول دادسرای تهران در موضوع مربوطه به اتهام خليل طهماسبى و نواب صفوى نسبت به بقيه متهمين پرونده را مفتوح گذاشته است - با ارسال رونوشت قرار صلاحيت باز پرسى ارتش و رونوشت نامه هاى شماره ۵/۶۶۶۰ - ۳۴/۱۰/۲۱ و - ۵/۶۷۳۱ - ۳۴/۱۱/۳ دادرسى ارتش (ظاهراً دادستانى ارتش) از دادسرای شهرستان تهران خواستار شده که اقدام قانونى را معمول دارند.

موضوع بشعبه سوم باز پرسى دادسرای شهرستان تهران ارجاع و شعبه مزبوره بموجب قرار مورخه اول اسفند/۳۴ - موجبى براى نفي صلاحيت رسيدگى باز پرس دادسرای تهران (نسبت به متهمينکه پرونده قتل رزم آراء در باره آنها مفتوح است ندیده و خود را صالح برسيدگى دانسته).

دادستان تهران با نظريه فوق اعلام موافقت نموده.

قرار به دادستانى ارتش ابلاغ و دادستانى ارتش بموجب نامه ۵/۶۹۵۲ -

۳۴/۱۲/۱۳ با اعلام موافقت با قرار باز پرس ارتش از دادمستانی تهران خواستار شده که جهت حل اختلاف پرونده به دیوانعالی کشور ارسال شده.

دادسرای تهران مطابق نامه شماره ۳۶۹۲۸/الف - ۳۴/۱۲/۱۳ از دیوانعالی کشور باستناد ماده ۵۴ آئین دادرسی حقوقی و ۲۷۷ آئین دادرسی و کیفر ارتش تقاضای اقدام شایسته نمود.

رسیدگی شعبه ۱۰ دیوانعالی کشور ارجاع، و در تاریخ ۳۴/۱۲/۲۳ پرونده به شعبه ارسال و دلایل باز پرس ارتش و بازرسی دادسرای تهران بشرح مندرج در قرارهای صادر از ناحیه هریک از دو مرجع مزبور است که مفاد آنها فوقاً ذکر شده است.

در تاریخ ۳۴/۱۲/۲۸ شعبه ده دیوانعالی کشور مرکب از آقایان مرقومین ذیل آقای سید صالح صالح مستشار، آقای وزیر انجمن مستشار، آقای سیاسی مستشار تشکیل و پس از ملاحظه پرونده‌های مربوطه و قرائت گزارش آقای سید صالح صالح و کسب نظریه آقای صفدری دادیار دیوانعالی کشور که بر صلاحیت مقامات دادگستری و باز پرس دادسرای شهرستان تهران در تعقیب متهمین از حیث معاونت در قتل مرحوم سپهبد رزم‌آرا بود مشاوره نموده، بشرح آتی اظهاررای مینمایند.

رای - مواد استناد به باز پرس ارتش بشرح قرار فوق‌الاشعار، و هکذا استدلالات مرقومه در قرار مزبور راجع به صلاحیت باز پرس و مقامات ارتش در رسیدگی به جرائم متسبب بمتهمین نامبرده نمی‌باشد، زیرا در تاریخ واقعه مقامات دادگستری صالح به رسیدگی و تعقیب مرتکب قتل مرحوم سپهبد رزم‌آرا و معاونین او تشخیص شده و صلاحیت دادگستری در حدود قوانین موضوعه اجراز گردیده و قرارهای صادره در این موضوع بشرح پرونده‌های مربوطه قطعی شده است و دیگر موجبی برای نقض آنها وجود ندارد و نمی‌توان اثرات قرارهای مذکوره را کان‌لم یکن دانست، بنا بمراتب باتفاق آراء صلاحیت باز پرس دادسرای تهران و مقامات دادگستری در تعقیب متهمین اعلام می‌گردد.

امضاء هیئت حاکمه <http://www.chebayadkard.com>

مهر دیوانعالی کشور

رونوشت برابر با اصل است.

## اظهارات سید ابوالحسن حائری زاده در بازجویی [۱۳۳۵/۲/۸]

شیر و خورشید

وزارت دادگستری

برگ بازجویی و صورت مجلس

بتاریخ هشتم اردیبهشت ماه هزار و سیصد و سی و پنج در زمینه رسیدگی به پرونده قتل مرحوم سپهبد حاجی علی رزم آرا در وقت مقرر آقای سید ابوالحسن حائری زاده نماینده سابق مجلس شورای ملی که بنام مطلع اظهار کرده اند حضور دارند، ضمن تفهیم مقررات و موانع ادای گواهی و موضوع گواهی تقاضا شد خود را معرفی نمایند، جواباً اظهار داشتند:

<http://www.chebayadkard.com>

سید ابوالحسن فرزند مرحوم آقا سید علی حائری نیا نماینده سابق مجلس شورای ملی، ۶۴ ساله، مسلمان تبعه ایران، فاقد پیشه کیفری و فاقد موانع گواهی از کیفر گواه کاذب و مقررات مربوط به ادای گواهی مستحضر شدم، ملتزم به راستگویی می شود، حائری زاده.

پی - در جلسات علنی مجلس شورای ملی در تاریخهای ۱۵ بهمن و ۱۹ بهمن ماه ۳۴ در مورد پرونده قتل مرحوم رزم آرا اظهاراتی کردید و متذکر شدید که قتل رزم آرا یک قتل سیاسی بوده و اشخاص و دستجاتی و یا سیاستهای بخصوص از این عمل استفاده کرده اند، چون برای کشف حقیقت امر به گواهی و اطلاعات شما نیاز است، خواهشمند است هرگونه اطلاعی از جریان ترور رزم آرا دارید مشروحاً بنویسید.

ج - اطلاع و شهادتی ندارم، فقط در جریان سیاست و قضاوت چون وارد بودم، آنچه از جریان عمل فهمیدم در مجلس شورای ملی گفتم، و اطلاع و شهادتی ندارم که عرض نمایم، حائری زاده.

س - بنظر جنابعالی ترور رزم آراء به نفع چه کسی بوده، و آثار تبعی این ترور در صحنه سیاست ایران چه بوده است [؟]

ج - جناب آقای حائری زاده اظهار داشتند: تقاضا می کنم بهمان طریق که من تقریر می کنم خود شما بنویسید، علیهذا جواب سئوالات با تقریری که ایشان می کند بشرح زیر نوشته می شود.

<http://www.chebayadkard.com>

ج - بعقیده بنده آمدن رزم آراء یک جریان عادی نبود، زیرا که کابینه منصورالملک دفعتاً و بدون اینکه اکثریت مجلس شورای ملی با آن کابینه مخالف باشد سقوط کرد، و بدون اینکه طبق سابقه از طرف دربار تمایل نمایندگان را برای انتخاب رئیس دولت جدید معلوم کنند، فرمان نخست وزیری مرحوم سپهبد رزم آراء صادر شد، و در مجلس موضوع مهمی که از کابینه سابق به کابینه جدید، ارث رسید، موضوع نفت بود و قرارداد گس - گلشائیان، که در دوره پانزدهم مجلس با مخالفت من و چند نفر از نمایندگان تصویب آن معوق شده بود مطرح بود و روشن بود که این کابینه برای اجرای آن سیاست نفتی مأموریت بخصوصی دارد، ولی در جریان عمل، در نزد آن سیاستمدارانی که با دربار نتوانست کار کند و موجبات آوردن کابینه سپهبد رزم آراء شدند، عملیات دولت جدید مورد سوءظن آنها شد، زیرا که در محبس شهربانی که از رواساء حزب توده بودند، در این کابینه موفق به فرار شدند و در مذاکراتی که خود رزم آراء با شخص من داشت آن مرحوم با مبارزه ما موافق بود و معتقد بود که در این موقع جهانی اگر این مخالفت ادامه یابد انگلستان مجبور است منافع ایران را بیشتر محترم شمارد، و بعقیده من پس از این که با فشار انگلستان کابینه سپهبد رزم آراء روی کار آمد، مورد سوءظن خود انگلستان واقع شد. زیرا که مرحوم سپهبد رزم آراء معروف بود که نقشه های تحولی در اوضاع ایران دارد و ممکن بود نقشه ای را که شاه سابق علیه احمدشاه اعمال کرده بود بدست رزم آراء در ایران عمل شود، و برای انجام آن مقصود جلب رضای انگلستان تنها برای بمقصود رسیدن مرحوم رزم آراء کافی نبود، و آن مرحوم لازم داشت که با سیاستهای متضاد که در این مملکت سالیان درازی است نفوذ دارد همکاری کند، و همین وسایل

که برای من که دستگاه اطلاعاتی ندارم روشن شده، بدیهی است برای انگلستان و دستگاه آنها زودتر و بهتر روشن شده بود، به این جهات معتقدم که قتل رزم آراء قتلی بود سیاسی و فدائیان اسلام که سران آنها اغلب جاه طلب و کم تجربه بودند آلت اجراء این مقصود شدند، بدیهی است که شخص خلیل ظهماسبی که یک نفر نجار مؤمن ینواب صفوی بوده چندان مهارتی در تیراندازی نداشته و بودن او در جمعیت و شلیک کردن او غیر از منحرف کردن افکار عمومی از قاتل حقیقی فایده دیگری نداشته، و من آنچه شنیدم طرز گلوله خوردن رزم آراء و گرفتاری دو نفری که پشت سر رزم آراء با اسلحه بوده اند و پس از دستگیری و رسیدن محبس از طرف شهربانی بعنوان اینکه دو نفر مستحفظ او بوده اند آزاد شده، و خلیل ظهماسبی که در جمعیت اگر شعاری نداده بود و تظاهر به متصدی قتل بودن نکرده بود گرفتار نمی شد، و پس از گرفتاری او اعلامیه های فدائیان اسلام که این قتل را بگردن گرفتند و موضوع را از محور اصلی خود که مأمورین باید تعقیب کنند خارج نمودند، دلیل اینست که این قتل سیاسی بوده و خصومت شخصی بین خلیل ظهماسبی و فدائیان اسلام با مرحوم سپهبد رزم آراء درین نبوده.

س - سرتیپ دیهیمی دادستان سابق ارتش چه اسنادی از رزم آراء پیش شما آورده است؟

<http://www.chebayadkard.com>

ج - سرتیپ دیهیمی اوراقی و عکسهائی بمن ارائه داد و میگفت عکس خط رزم آراء است و من همه آنها را به آقای دکتر بقائی دادم و او در مجلس عنوان کرد، توضیح اینکه رزم آراء در آن وقت رئیس ستاد ارتش بود و نه رئیس الوزراء و اینکه اسناد آنروزی بخط رزم آراء بوده یا خیر، اطلاعی ندارم.

س - در جلسه علنی شورای ملی در تاریخ نوزدهم بهمن ماه ۱۳۳۴ در جواب نطق آقای وزیر جنگ در موضوع اینکه شما فتوای سیاسی قتل رزم آراء را داده اید بشرح زیر دفاع کرده اید «برادر، من که فتوای قتل ندادم یک مجتهدی فتوی داد، که چند نفر مجتهد فتوی میدهند عمل نمی کند این یکی را رفته اند عمل کرده اند» منظور شما از مجتهدی که فتوی قتل رزم آراء را داده چه کسی بوده است، بچه دلیل؟

ج - اگر مراجعه بصورت مجلس قبلی و همین جلسه اینکه من اظهار کرده ام بشود روشن خواهد شد که یکی از اعتراضهای من به دستگاه دولت توقیف آیه الله کاشانی بوده، و در فحش نامه ای که جناب وزیر جنگ و دکترینا علیه من پشت تریبون قرائت

کردند، تمام مسائل مربوط به حزب توده و دکتر مصدق و فدائیان اسلام و سایر خرابیهای مملکتی را بمن نسبت میدادند، این اظهار را نمودم، و مقصود من این بود که اگر یکی از آقایان حجج اسلام یا آقای کاشانی فتوایی داده باشد و در نتیجه فتوای او شخصی را خائن بمملکت معرفی کرده باشد، قاتلی مرتکب قتل شود، تعقیب مفتی که خود منکر فتوای خود نیست، و در مصاحبه‌ها اظهار کرده و امروز هم منکر اظهارات سابق خود نیست، در سن بیش از هفتاد. نباید او را پس از کشته شدن<sup>۱</sup> فرزندش بانهاام قاتل بودن دادستان نظامی غیر صالح او را توقیف کند. من شهادتی به این که ایشان فتوایی داده یا نداده اند ندارم، و دولت مدعی بود که در مصاحبه‌ها آیت الله کاشانی مرحوم سپهبد رزم آراء را مهدورالدم معرفی کرده، و در نتیجه فتوای ایشان این جریان پیش آمد کرده است.

س - مقارن ترور مرحوم رزم آراء شما سمت نمایندگی مجلس را داشتید یا خیر [؟]، در صورتیکه نماینده پارلمان بودید در چه فراکسیون پارلمانی عضویت داشتید [؟]

ج - در مجلس بودم، و در فراکسیونی که قسمتی از جبهه ملی بود عضویت داشتم، و لیدر فراکسیون آقای دکتر مصدق بودند.

س - از نظر مسلک سیاسی و رویه‌ای که در سیاست پارلمانی خود اتخاذ کرده بودید یا رئیس الوزراء وقت اختلاف داشتید یا خیر [؟]، در صورت اول، اختلاف در چه مسائلی بوده [؟]

ج - اختلاف سلیقه ما در سیاست خارجی و نفت علنی بوده، و حتی رئیس دولت را استیضاح کردیم، ولی از نظر شخصی او را از سایر رئیس الوزراء لایق‌تر می‌شناختم، و در ملاقاتهای خصوصی او رویه ما را در مبارزه راجع به نفت می‌پسندید، و میل داشت که با ما همکاری کند، ولی چون در سیاست خارجی او اطمینانی نبود، همکاری با او را من مصلحت نمی‌دانستم.

س - در کمیسیون نفت عضویت داشتید یا خیر [؟]

ج - بلی عضو کمیسیون بودم.

س - شما عضو جبهه ملی بودید یا خیر [؟]

۱ بعداً خط خورده و نوشته شده است؛ فوت.

ج - من عضو جبهه ملی بودم ولی کرارا با تصمیماتی که اکثریت کمیسیون اتخاذ می کرد ..... جناب آقای دکتر مصدق من مخالفت می کردم. خلاصه یک عضو مطیع اکثریت نبودم، ولی در مبارزه نقت باهم همکاری می کردیم.

س - شما آقای محمود آقائی را می شناسید یا خیر [؟]، و در صورت شناختن در منزل مشارالیه مینهمان بوده اید یا خیر [؟]

ج - من وکیل تهران بودم، و همه مردم مرا می شناسند، و اغلب در هر اجتماعی ما را دعوت می کردند می رفتیم، و محمود آقائی را به اسم نخی شناسم، ولی اگر به بینم شاید بشناسم.

س - آقای نواب صفوی را از کجا می شناسید، و چند بار با هم ملاقات کرده اید [؟]

ج - آقای نواب صفوی را می شناسم، اولین دفعه وی را در مجلسی که در منزل نواب احتشام پدروزن وی بود دیدم، جماعتی دیگر هم بودند بیرون که آمدیم گفتند نواب صفوی بود.

دفعه دوم در یک تکیه بودم نزدیک مدرسه شیخ عبدالحسین بالای منبر نواب را از دور دیدم که ایام عاشورا بود که از دور تماشا کردم.

دفعه سوم در منزلی که واقع است در کوچه عین الدوله منزل یکی از دوستان ایشان بود، و مجلس عامی بود که اشخاص زیادی بودند و بیش از ۲۰ دقیقه من در مجلس نماندم، و کسانی که در آن مجلس می شناختم یکی آقای نواب صفوی بود، و آقای عبدالقدیر آزاد، و کرباسچیان بودند. موضوع اینکه از آمدن عبدالقدیر آزاد پنج دقیقه گذشته بود که من از خانه خارج شدم، و اینکه بعد از بنده چه کسانی آمده اند اطلاعی ندارم.

<http://www.chebayadkard.com>

و دفعه چهارم، نواب را در محبس دیدم که زمان دکتر مصدق زندانی شده بود. از من دعوت کرد و رفتم، سفارش قاتل دکتر زنگنه را کرد که مسلمان است، از نظر اسلامی یک عملی انجام شده، اگر می توانید کمک بکنید، و در حضور مأمورین محبس تقاضا کرد، من هم قدرت کمک نداشتم.

س - میبھانی منزل آقائی در خیابان عین الدوله به شام بود یا به ناهار، و در چه فصلی بود، آیا قبل از ترور رزم آراء بود یا بعد از ترور [؟]

ج - سرشام بود، و چون منتقل در اطاق بود حدس می زدم هوا سرد بود یا اول بهار بود یا اول پائیز، و این که قبل از ترور رزم آرا بود، یا بعد از آن اطلاع صحیح ندارم.

س - در مجلس منزل آقای آقائی صحبت از چه مباحثی بوده [؟]

ج - در مسائل کلی اسلامی بحث می کردیم، و تشخیصی دادم که...

س - میزبان شما کی بود، و چه کسی از شما دعوت کرد، آقایان دکتر بقائی،

مکی، نریمان، زهری و سایر آقایان جبهه ملی در منزل آقائی بودند یا خیر [؟]

ج - دعوت هائی را که ما اجابت می کردیم، از طرف موکلین بوده، و برای قبول

دعوت آنها هرکسی دعوت می کرد می رفتیم، و این که میزبان و دعوت کننده چه کسی بود بخاطر من نیست، و آقایان دکتر بقائی و مکی، نریمان، و سایر اعضاء جبهه ملی را در آن منزل من ندیدم شاید بعد از من آمده اند.

س - شام خوردید در منزل آقائی [؟]

ج - من شام نخوردم، و معمولاً من شام را جایی نمی خورم و منزل می روم، اما

دعوت به شام بوده، ولی بیش از ۲۰ دقیقه در منزل مذکور توقف نکردم.

س - در منزلی که دعوت شده بودید چند نفر میهمان دیگر بود و از چه طبقاتی

بودند [؟]

<http://www.chebayadkard.com>

ج - وقتی بخانه مذکور وارد شدم نواب صفوی با چهار نفر دیگر دور منتقل نشسته

بودند، و اطاق دیگری متصل بهمین اطاق بود که دارای مبل و وسائل پذیرائی از قبیل

مرکبات و شیرینی در آنجا موجود بود، با آقایان به اطاق مبله رفتیم و متدرجاً اشخاصی

آمدند. از واردین فقط کریم باسجیان و عبدالقدیر آزاد را شناختم، و بقیه را نمی شناختم، و

بحثی که با نواب شروع کردم موضوع حرمت و حلیت استعمال ظروف نقره بود، و در

حدود ۲۰ دقیقه که آنجا بودم در مسائل شرعی و حقوق اسلامی بحث بود، و من چون

معمولاً برای شام و ناهار به منزل دیگران کمتر قبول دعوت می کنم برای مرخصی از آقایان

اجازه گرفتم... اسامی آقایانی را که می فرمائید آنجا حاضر شده اند یا بعد از من

آمده اند، یا قبلاً آمده اند و رفته اند، یا اصلاً نیامده اند که در هر صورت من آنها را

ندیده ام.

س - اظهارات سید مجتبی نواب صفوی در اینکه در قتل رزم آرا با ایشان و

دسته فدائیان اسلام معاونت داشته اند قرائت می شود صحیح است [؟]



ج - اظهارات نواب صفوی را در مورد اینکه من معاونت در قتل داشته‌ام، یا اینکه در منزل آقای صحیت از ترور رزم‌آراء شده با شدت تکذیب می‌کنم، بعلاوه در بیست و چند سالی که من در امور ..... بودم، و در شعبه جزائی هم مدتی بوده‌ام همیشه از امضاء احکام اعدام خودداری کرده‌ام. این پرونده‌ها حاکی از صحت مدعا است، و بعلاوه شخص مرحوم رزم‌آراء اگر اختلافی در موضوع میاست با یکدیگر داشتیم، ولی از نظر شخصی مناسباتمان کاملاً دوستانه بود.

<http://www.chebayadkard.com>



کتابخانه

ردیف	تاریخ	موضوع	ملاحظات
۱۳۳			

بسم الله الرحمن الرحيم  
 در این کتابخانه که در سال ۱۳۳۳  
 تأسیس گردید و در سال ۱۳۳۴  
 به ثبت رسیده است. این کتابخانه  
 در سال ۱۳۳۵ به ثبت رسیده است.  
 در سال ۱۳۳۶ به ثبت رسیده است.  
 در سال ۱۳۳۷ به ثبت رسیده است.  
 در سال ۱۳۳۸ به ثبت رسیده است.  
 در سال ۱۳۳۹ به ثبت رسیده است.  
 در سال ۱۳۴۰ به ثبت رسیده است.

در سال ۱۳۴۱ به ثبت رسیده است.  
 در سال ۱۳۴۲ به ثبت رسیده است.  
 در سال ۱۳۴۳ به ثبت رسیده است.  
 در سال ۱۳۴۴ به ثبت رسیده است.  
 در سال ۱۳۴۵ به ثبت رسیده است.  
 در سال ۱۳۴۶ به ثبت رسیده است.  
 در سال ۱۳۴۷ به ثبت رسیده است.  
 در سال ۱۳۴۸ به ثبت رسیده است.  
 در سال ۱۳۴۹ به ثبت رسیده است.  
 در سال ۱۳۵۰ به ثبت رسیده است.

در سال ۱۳۵۱ به ثبت رسیده است.  
 در سال ۱۳۵۲ به ثبت رسیده است.  
 در سال ۱۳۵۳ به ثبت رسیده است.  
 در سال ۱۳۵۴ به ثبت رسیده است.  
 در سال ۱۳۵۵ به ثبت رسیده است.

صورت مجلس راجع به اسلحه شماره ۲۸۷۸۴

شیر و خورشید

وزارت دادگستری

یک قبضه اسلحه کمری برونینگ شماره ۲۸۷۸۳ و یک دانه خشاب و چهار گلوله و یک دانه پوکه بوسیله آقای ستوان یکم فروزی به شعبه سوم باز پرسى تحويل شد.

دفتر بازرسى شعبه سوم

امضاء و مهر

۳۵/۳/۳۱

توضیح اینکه عین اسلحه با مشخصات فوق تحويل اینجانب در تاریخ دوشنبه

۳۵/۳/۳۱ گردید.

فروزی، امضاء

<http://www.chebayadkard.com>

۳۵/۳/۳۱

مورخه ۳۵/۳/۳۱ آقای ستوان یکم فروزی افسر شهر بانی با ارائه رسید باز پرسى مبنی بر وصول هفت تیر برونینگ شماره ۲۸۷۸۴، اسلحه مذکور را که برسم امانت در باز پرسى بود با یک عدد خشاب، سه گلوله و یک پوکه دریافت داشت که بموزه جنائى شهر بانی تحويل دهد.

امضاء، باز پرسى شعبه سوم

توسط ریاست محترم باز پرسى شعبه دادمرای تهران یک قبضه اسلحه کمری بشماره ۲۸۷۸۴ و یک عدد خشاب و چهار گلوله و یک عدد پوکه به اینجانب ستوان یکم فروزی تحويل گردید که بموزه جنائى شهر بانی تسلیم شود.

ستوان یکم فروزی، امضاء

س - از نظر مسلک سیاسی و رویه‌ای که در سیاست پارلمانی خود اتخاذ کرده

بودید با رئیس الوزرای وقت اختلاف داشتید یا خیر [؟] در صورت اول اختلاف در چه

مسائلی بود [؟]

ج - اختلاف زیادی داشتیم که شرح آن بتفصیل در صورت مذاکرات مجلس

شورایملی و صفحات روزنامه شاهد و ملحقات آن منعکس می‌باشد. اساس این

اختلافات این بود که سپهد رزم‌آراء برای رسیدن به هدف شخصی خودش که تغییر

رژیم و احراز مقام دیکتاتوری بود خود و دولت خود را در اختیار سیاستهای بیگانه

گذاشته بود و نظریات سیاستهای مختلف را به ضرر ملت ایران با کمال شدت عملی

<http://www.chebayadkard.com>

می نمود.

س - بنظر جنابعالی ترور رزم‌آراء برفع چه سیاستی میتواند باشد و آثار تبعی این

ترور در صحنه سیاست ایران چه بود [؟]

ج - از ترور رزم‌آراء سیاستهای مختلفی منتفع شدند و ضمناً ملت ایران هم

منتفع شد، زیرا اگر رزم‌آراء مانده بود تا چند روز بعد از آن موفق بانجام کودتائی که

ماهها تهیه آن را دیده بود می‌شد و مملکت را برای مدتها دچار حکومت دیکتاتوری

می‌کرد...»

قسمتی از بازجویی از آیه الله کاشانی در وزارت دادگستری در ساعت ۸ صبح

۳۵/۶/۱۹

س - اظهارات نواب صفوی و خلیل طهماسبی در جریان بازپرسی در دادسرای نظامی و همچنین لایحه فرجامخواهی آنان که به ... نوشته و شما را آمر در قتل معرفی کرده اند قرائت می شود از اتهام انتسابی مدافعه کنید.

ج - ... با اینکه قبلاً در طی جواب سئوالات گفتم که خلیل - که این نسبت را به او می دهند بموجب پرونده قاتل نبود و اگر به روزنامه فرمان و خواندنیها مراجعه شود این مطلب واضح می گردد و اظهارات هردو تفر را تکذیب می کنم. [امضاء] سید ابوالقاسم

<http://www.chebayadkard.com>

کاشانی

[آیه الله کاشانی سپس چنین می نویسد:]

«... ولی بعقیده اینجانب همانطور که قبلاً در دادسرای نظامی گفته شد، قتل رزم آرا، بموجب اسناد و مدارکی که در مطبوعات منعکس شد، و همچنین آثاری که در پرونده خلیل موجود است بدست کسان دیگری غیر از خلیل بوده که مأمورین تحقیق باید در کشف حقیقت کوشش کنند، و اینک شماره ۶۱ مجله خواندنیها را که متضمن نامه تیمسار سرلشگر منصور مزین است و در آن نامه اشاره به موضوع کودتای رزم آرا می دهند، و همچنین رونوشت مقاله روزنامه فرمان را که از شماره ۱۲ سال ۱۳۳۰ مقارن ترور رزم آراست برای اثبات اظهارات خود تقدیم می دارد. یک شماره مجله خواندنیها و سه برگ سند عادی و خبر پیوست پرونده شد.»

متن نامه سرلشگر منصور مزین به مدیر خواندنیها

مورد استناد آیه الله کاشانی در بازپرسی<sup>۹</sup>

آقای مدیر محترم مجله خواندنیها

در شماره های ۵۵ و ۵۶ آن مجله بقلم آقای محمدرضا خلیلی عراقی تحت عنوان (اسراری از نخست وزیری و قتل رزم آرا) شرحی راجع به اختلاف بین سران ارتش از جمله اختلاف اینجانب و سپهد رزم آرا درج شده است که چون نویسنده محترم جزو سازمان ارتش نبوده و آنچه نوشته اند بر حسب مسموعات و یا بعلمت عدم اطلاع بحقایق امر بوده است ناچارم بطور خلاصه حقایق را به اطلاع خوانندگان محترم مجله خواندنیها برسانم. بنابراین خواهشمندم دستور فرمائید طبق قانون مطبوعات بدرج مراتب مشروحه زیر اقدام نمایند.

۱ - اختلاف بین سران ارتش ابدا ارتباطی با نخست وزیری و قتل رزم آرا نداشته که ایشان تحت این عنوان قلم فرسایی نموده اند بخصوص که اینجانب از شروع نخست وزیری مرحوم رزم آرا بعلمی که لازم میدانم در اینجا توضیحی بدهم به امریکا رفتم و در تمام دوره نخست وزیری و واقعه قتل و حتی در زمان نخست وزیری دو نفر بعد از آن مرحوم هم در امریکا بودم تا آنکه آقای دکتر مصدق اینجانب را بوسیله آقای انتظام

<http://www.chebayadkard.com>

• ناخوانا

سفیر کبیر ایران در آمریکا برای ریاست شهر بانی کل کشور تلگرافی احضار نمودند و اینجانب پس از کسب اجازه از پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایونی و قبول پیشنهاداتی که نموده بودم به تهران مراجعت و پس از چهار ماه عهده داری شغل مزبور چون احساس نموده به پیشنهاداتم توجهی نیست و محیط با طرز فکر و اقدامات اینجانب موافقت ندارد و با کسب اجازه از اعلیحضرت همایونی استعفا داده و مجدداً بخارج عزیمت نمودم و در همانموقع آقای مهندس ملکوتی مصاحبه با اینجانب نموده اند که عین آن شش ماه بعد در شماره ۹۲ سال ۱۳۳۱ مجله خواندنیها به عنوان «اسرار استعفای سرلشگر مزیبی از زبان خودش» درج شده و هر کس آن مجله را خوانده یا بخواند متوجه می شود که چگونه در شروع زمامداری آقای دکتر مصدق وقایع و پیش آمدهای دوسال و نیم بعد را بطور صریح و روشن پیش بینی نموده ام در صورتی که هیچکس در آنموقع قادر بگفتن آن مطالب نمی بود. حال اگر آقای محمدرضا خلیلی عراقی یا سایر دوستان بزرگوار اینجانب خواسته اند از موقع سوء استفاده نموده و اختلاف اینجانب و مرحوم سپهبد رزم آرا را مربوط به قتل آن مرحوم نمایند جای بس سیاسیگری است!؟!

۲ - موضوع اختلاف اینجانب و مرحوم سپهبد رزم آرا ارتباطی به امور کوچک نظامی از قبیل مسابقه ثیراندازی و توزیع جوایز و امتنان آن نداشته بلکه مربوط به امور مهم نظامی بوده است که فعلاً در این مورد هم پس از قتل آن مرحوم جایز نمیدانم بحثی نمایم. اما راجع به نامه خصوصی محرمانه که بحضور والا حضرت فقید شاهپور علیرضا نوشته ام آنهم دلایل و مدارکی دارد که آقای محمدرضا خلیلی عراقی البته اطلاع ندارند و نیایستی هم داشته باشند ولی اینکه توضیح داده اند چون دستگاه کسب خبر سپهبد رزم آرا مجهزتر بود از کلیه آنتریکهای؟! اینجانب جلوگیری می نمود بایستی بدانند اساساً اینجانب هرگز در طول مدت خدمتم از اعمال و کردار خود بیمی نداشته ام که محتاج به دستگاه کسب خبر باشم و نامه خصوصی اینجانب را که نمیدانم چگونه بدست ایشان افتاده است هر کس بدقت بخواند و بعد قدری توجه کند که چگونه بدست مرحوم سپهبد رزم آرا افتاده و امروز مورد استفاده آقای خلیلی عراقی واقع شده است کاملاً بحقایق امر پی خواهد برد.

۳ - توصیه اینجانب راجع به وزارت آقای پرویز خوانساری بمرحوم سپهبد رزم آرا بکلی برخلاف حقیقت و ابدأ در اینمورد صحبتی نشده حتی مرحوم رزم آرا روز بعد از نخست وزیری شخصاً بمنزل اینجانب آمد و پیشنهاد پستهای وزارت راه یا وزارت



پست و تلگراف را نمودند و بعلی قبول نکردم.

۴ - موضوع تجدید دشمنی اینجانب با مرحوم سپهبد رزم آرا پس از قتل آن مرحوم مضحک و قابل توجه است زیرا دشمنی با شخصی که بقتل رسیده از ابتکارات مخصوص آقای محمدرضا خلیلی عراقی است و اگر اینجانب در زمان ریاست شهربانی خود در مورد کودتا شرحی محرمانه به دادرسی ارتش نوشته‌ام فقط بموجب مدارک و گزارشاتی بوده است که رؤسای ادارات شهربانی به اینجانب ارائه داده‌اند و اینجانب به استناد همان مدارک موظف بوده‌ام مراتب را برای روشن شدن حقایق امر عیناً به دادرسی ارتش بنویسم و آنهم وظیفه هر رئیس شهربانی بوده است و ارتباطی با دوستی و دشمنی ندارد بخصوص که اینجانب در آن موقع در ایران نبوده‌ام که از آن جریان‌ات اطلاعی داشته باشم ولی موضوع قابل توجه اینست که چگونه و بچه وسیله مدارک محرمانه شهربانی کل کشور و دادستانی ارتش بدست آقای محمدرضا خلیلی عراقی افتاده است.

<http://www.chebayadkard.com>

## متن مقاله روزنامه «فرمان» \* مورد استناد آیه‌الله کاشانی در بازپرسی

اسرار کودتای رزم‌آرا فاش میشود

قضیه کودتای رزم‌آرا که تاکنون جزء شایعه و احتمال بود اکنون پمرحله جدی‌تری رسیده است و اگر تاکنون این موضوع مورد تردید بود با مقاله‌ای که در شماره ۲۳۹ روزنامه تهران‌منصور ارگان سابق رزم‌آرا درج شده این طور می‌نماید تمام شایعاتی که درباره کودتای رزم‌آرا وجود داشته است صحت دارد، در این زمینه روزنامه فرمان نیز مقاله مفصلی انتشار داده که ذیل از نظر خوانندگان گرامی میگردد، روزنامه مزبور نوشته است بعلت کشف توطئه و اطمینان اعلیحضرت همایونی از اینکه رزم‌آرا قصد کودتا داشته ممکن است روز چهارم رزم‌آرا از طرف دولت هیچگونه تشریفاتى بعمل نیاید بدیهی است اگر روز ۲۶ فروردین همان طوری که روزنامه فرمان نوشته برای چهارم رزم‌آرا هیچ اقدام رسمی بعمل نیاید، صددرصد معلوم خواهد شد که جریان کودتای رزم‌آرا صحت داشته وگرنه مانند سابق از جنبه شایعات تجاوز نخواهد کرد.

جریان کودتای انجام نشده رزم‌آرا که قبل از مرگ و بعد از مرگ او هم کم و بیش بطور شایعه و خیرهای احتیاطی در روزنامه‌ها منتشر گردید اکنون با مدارک و اسناد غیرقابل انکاری تأیید شده است.

کودتائی که میبایست توسط رزم‌آرا انجام گیرد برخلاف شهرتی که در زمان حیات او وجود داشت بهیچ وجه جنبه شخصی نداشته و دارای جنبه بین‌المللی بوده است.

<http://www.chebayadkard.com>

اکنون فاش شده است که محرک اصلی رزم‌آرا برای کودتا دو همسایه شمالی و جنوبی بوده و حتی این سیاستها در نظر داشته‌اند با ایجاد کودتا در سه کشور ترکیه و پاکستان و ایران در تمام خاورمیانه چند حکومت نیمه‌کمونیستی بوجود آورده و

ه بنقل از مجله «خواندنیا»، شماره ۶۶ سال یازدهم (۲۰ فروردین ۱۳۳۰).

سیاستهای خود را در این نقطه حساس بین‌المللی هم‌آهنگ نمایند.

بهین منظور قرار بوده است در پاکستان یک کودتای نظامی متقابل به چپ توسط یک هیئت مرکب از نظامیان ارشد و در ایران توسط یک فرد و در ترکیه توسط اشغال نظامی این کودتاها انجام گیرد.

در مورد پاکستان و ایران از هر حیث توافق نظر حاصل و نقشه آن کاملاً آماده و مهیا بوده است در ایران رزم‌آرا با توافق چند تن از رفقا و همکاران نظامی خود در نظر داشت در روز موعود مجلسین را منحل و حکومت نظامی اعلان و مخالفین را دستگیر و بلافاصله اعدام نماید برای ایجاد زمینه از مدتها قبل در این مورد وسایل و نقشه تهیه و کم‌کم بمورد اجرا گذاشته میشد.

ایجاد حزبی بنام «کارگر» و یا باسامی دیگر توسط حسن ارسنجانلی مدیر روزنامه داریا و آشتیانی زاده نماینده مجلس و عدم پرداخت حقوق کارمندان و ایجاد کمبود مصنوعی اسکناس و تحریک کارکنان و از همه مهمتر هم‌آهنگی با عناصر دست چپ ایران و آزاد گذاشتن آنها و فرار سران توده‌ای و غیره همه مقدمات نقشه کودتا بوده است.

از طرف دیگر برای جلوگیری از فرار و ایجاد دست‌بندی‌های بعدی بر ضد کودتای رزم‌آرا توسط ژاندارمری که کاملاً در دست او بود، در تمام جاده‌های اطراف تهران مراکزی بنام پاسگاه ژاندارمری تشکیل و در نظر داشت در روز موعود، هر کس از مخالفین قصد فرار دارند بلافاصله دستگیر و بدون هیچ محاکمه فوراً تیر باران شوند.

راجع به روز کودتا برخلاف آنچه شهرت دارد، روز تشریف‌فرمائی اعلیحضرت شاه به ورامین نبوده، بلکه یکروز پس از مسافرت ایشان بماوراء اردن تعیین شده بوده است و حتی قرار بود پس از مسافرت اعلیحضرت همایونی بلافاصله کودتا انجام و تلگرافی به ماوراء اردن اطلاع داده شود که رژیم تغییر یافته است.

بطوریکه خبرنگاران فرمان اطلاع میدهند، جریان کشف توطئه قبل از مرگ رزم‌آرا کشف شده و در خطا برای جلوگیری از توطئه اقداماتی نیز بعمل آمده است.

درخصوص کشف این توطئه دو روایت وجود دارد، گفته می‌شود نامه یکی از نمایندگان خارجی ایران به شخصی در ترکیه در مورد اینکه بزودی وضع ایران و پاکستان عوض خواهد شد باعث کشف قضیه گردیده است در نامه مذکور بگیرنده توصیه شده بود که با جریان همکاری نماید، اما ظن قریب به یقین اینست که یک بی‌احتیاطی

کوچک سبب فاش شدن اسرار کودتا و توطئه های دو سیاست شمالی و جنوبی گردیده است.

بموجب اطلاعاتیکه بدست آمده قرار بوده است در مورد ترکیه همسایه جنوبی با چند تن از سران نظامی آن کشور تماس گرفته و رضایت آنها را نسبت به کودتا جلب نماید.

ضمناً در نظر بود به همان سرعتی که در دو کشور پاکستان و ایران کودتا صورت میگیرد، کردهای بارزانی که فعلاً در شوروی اقامت دارند، بعنوان فرار بمرکز ترکیه هجوم آورده و از داخل ترکیه نیز توسط همان عده از افسرانی که جلب رضایت آنها شده بود اقداماتی بعمل آید لیکن قبل از انجام عمل، جاسوسان ترکی که برای سفارت آمریکا در آنکشور فعالیت میکرده اند از جریان قضیه اطلاع حاصل کرده و موضوع را به آمریکائیا اطلاع میدهند.

کنفرانس استانبول نیز که به این عجله مرکب از نمایندگان امریکا در خاورمیانه تشکیل گردید برای شور در طرز جلوگیری از این کودتای مهم در خاورمیانه بوده است. این کشف سبب میشود که دولت امریکا مراقب اوضاع بوده و بهر طریق که ممکن بود از افتادن خاورمیانه به دامان کمونیست جلوگیری نماید تا اینکه مرگ رزم آرا تمام نقشه ها و توطئه ها را عقیم میگذارد.

شهرت دارد وقتی خبر ترور رزم آرا به سادچیکف میرسد بقدری متأثر میشود که شروع بگریستن مینماید و حتی اعلیحضرت همایونی هم بی اندازه متأثر و عصبانی بوده است.

ضمناً گفته میشود که دکتر گریدی در روز اول عید با یک کیف سیاسی به حضور شاهنشاه شرفیاب شده و تمام اسناد و مدارک کودتای رزم آرا و توطئه های نیمه کمونیستی خاورمیانه و جریان کشف کودتا را به اعلیحضرت شاه ارائه میدهد، یک خبر خصوصی حاکی است که اعلیحضرت شاه پس از اطمینان از جریان کودتا از دکتر گریدی تشکر نموده و بهمین دلیل تصور میرود در چهلم رزم آرا که روز ۲۶ فروردین خواهد بود، از طرف دولت هیچگونه تشریفاتی بعمل نیاید و عده ای نیز دستگیر و محاکمه شوند.

ناراحتی که اکنون در میان عشایر کردستان دیده میشود دنباله همین جریانات



## چند روایت از «چگونگی قتل رزم آرا»

اطلاعیه «فدائیان اسلام» در رابطه با نوشته روزنامه «پراودا»<sup>۵</sup>

هوالمریز

اشتباه یا غرض ورزی یک روزنامه روسی برادران ما را مکدر و عصبانی نمود. روزنامه پراودا چاپ شوروی می نویسد که قتل رزم آرا مولود از اختلاف سیاست انگلستان و آمریکا در ایران می باشد.

نویسندگان این روزنامه روسی یا از دنیای خارج شوروی اطلاعی نداشته و بی خبر از عالمند و یا اعمال غرض کرده حقایق را کتمان می کنند.

قتل رزم آرا مولود غیرت دینی و ایمان راسخ طهماسبی و علاقه او به استقلال کشور اسلامی ایران و نجات ملت مسلمان از دست اجانب بوده ارتباطی با هیچ سیاست چپ و راستی نداشته است. تنها به فرمان اسلام وظیفه دفاعی انجام داده است.

بیاری خدای توانا

فدائیان اسلام

<http://www.chebayadkard.com>

<sup>۵</sup> روزنامه «اطلاعات»، مورخ ۲۴ تیر ۱۳۳۱.

در بافت های یکی از مطالعه کنندگان قسمتی از پرونده نور رزم آرا

اطلاعات و افادیه بعضی از حاضرین در محل قتل سپید رزم آرا \*

داده ها و افادیه که از برخی از حاضرین در محل قتل سپید رزم آرا بدست آمده است، بتقل از سلسله مقالات «اگر آروز کودتا شده بود» بقلم «احمد هاشمی»، مندرج در شماره های ۲۷۳ تا ۲۷۷ نشریه هفتگی «اتحاد ملی»، مورخ ۹ تیر ۱۳۳۳ تا ۶ مرداد همان سال، که مأخوذ از بخشی از پرونده قتل رزم آرا می باشد، در ذیل آورده می شود.

برگ ۹ - گزارش سرگرد رأفت مأمور انتظامات:

«... در این بین یک نفر بطرف معظم له \* حمله ور شد و شروع به تیراندازی کرد، در این اثنا سرگرد تیکوکار که در داخله صحن بوده رسیده ضارب را دستگیر، و درحین جلب کارد از کمرش کشیده به مأمورین حمله ور و قرار اختیار کرد، در بازار او را دستگیر و در موقع جلب جدیت می کرد بلکه دوباره فرار کند».

<http://www.chelbayadkard.com>

برگ ۷ - عبدالحسین محمد رحیمی:

«... پس از شلیک تیر در مسجد شاه، من در خط سیر مجلس ترحیم ایستاده بودم، دیدم شخصی دستش رفت به قلاب گمر، یک اسلحه کوچک از جیب خود خارج کرده بود، و به طرف مسجد تیراندازی کرد، بنده او را گرفتم، زیر بغل او را گرفتم، یک سر پاسپان قدیمی آمد جلو و اسلحه او را گرفت، تیمسار ریاست قسمت آمد و دستور داد او را ببرید توی ماشین، این شخص می خواست به من هم حمله کند، ولی دستش را

۵ رزم آرا.

گرفتم و نگذاشتم قرار کند. جلد اسلحه را از روی زمین برداشتم، اسلحه را سر پاسبان گرفتم. این جلد را از جیب خود انداخت زمین، دیدم خون آلود بود، و همین کسی است که در کلاتری بوده است و تام»

•

برگ ۵۰ — طاهونی (کارآگاه محافظ رزم آرا) در وهله اول می گوید:

«... امروز هم طبق معمول با فاصله دو قدم به نخست وزیر مانده در حرکت بودم، رفیق بنده الهیار جلیونند<sup>۱۱</sup> در سمت راست او بوده، وزیر کار<sup>۱۲</sup> هم در سمت چپ او، و رفیق مصطفی پازوکی<sup>۱۳</sup> در سمت چپ در حرکت بودیم. در حیاط مسجدشاه یک مرتبه که در حرکت بودیم صدای تیر از عقب سر ما بفتد شد، تا تیر دومی صدا کرد من پیچیدم عقب که ببینم چه کسی تیراندازی نموده است، همین شخص را (مقصود خلیل طهماسبیان است) دیدم، دست انداختم گلولی او را گرفتم، و اسلحه در دستش بود، من اسلحه کمری خود را که در جیبم بود در آوردم، و با سر اسلحه بسر همین شخص قاتل زدم که سرش گیج بشود که نتواند حرکت کند. در این بین دیدم یک چیزی سرم خورد که گیج مانند شدم، پاسبانها ریخته قاتل را از دست من گرفته و اسلحه را هم در شلوغی از دستم گرفتند که سر پاسبان بود و مرا کتک زدند...»<sup>۱۴</sup>

•

علی اصغر سلطانی پاسبان کارآموز شهربانی می گوید:

«... از سطر دهم ... در ساعت ده و نیم صدای تیر بلند شد، من دو قدم جلو، آقای الهیار جلیونند<sup>۱۵</sup> یک اسلحه لخت در دست داشت، من او را از عقب گرفتم، یک پاسبان دیگر که اسمش را نمی دانم و معلوم بود پاسبان قدیمی است آمد با من کمک کرد. یکی از پاسبانهای مأمور کلاتری هشت، رفیق الهیار جلیونند را که اسم او را نمی دانم دستگیر کرد، و از عقب جمعیت به آن پاسبان حمله کردند، من به کمک او

۱۱ در متن: «مأمور»، ۱۲ م.

۱۳ عبدالله علم.

۱۴ «محافظ دیگر رزم آرا»، ۱۵ م.

۱۵ «کارآگاه سوم رزم آرا»، ۱۶ م.

۱۷ در متن این قسمت چنین آمده است: (الحاج علی ... در سمت متوجه اختلاف گویی ها و تناقضات گفته های ضربک نشویید).



رفتم، یک اسلحه در جیب آن شخص بود، که من با کمک آن پاسبان اسلحه را از جیب او درآوردیم و دادیم به یک پاسبان دیگر. در این بین دیدم همان شخص دست خودش را می گذارد روی کمرش، گفتم: «مگر اسلحه دیگر داری؟» گفت: «نه»، دامن کت او را بالا زدیم، دیدیم یک اسلحه با جلد در کمرش می باشد، که باز کرده تحویل پاسبان مأمور کلانتری هشت است.»

همین شخص راجع به مکان توقفش می گوید:

«من درست دست راست آن راهرو و در داخل حیاط مسجد، مقابل حوض ایستاده بودم.»

راجع به تیراندازی می گوید:

«کسانی را ندیدم تیراندازی کنند، من فقط از روی برآمدگی زمین در محوطه مسجد که جمعیت زیادی ایستاده بودند صدای تیر شنیدم، ولی متوجه نشدم چه کسی تیراندازی کرد»، باز می گوید:

«من موقعی نخست وزیر را دیدم که زمین افتاده بود، و این دو نفری را که دستگیر کردیم، یعنی جلیوند و رفیقش را در ده قدمی او دستگیر کردیم، و موقعی که اللهیار را دستگیر کردیم، یک اسلحه لخت دست او بود که می گذاشت بغلش»، در خاتمه می گوید:

«رفیق الهیار که دستگیر شد می خواست از دست پاسبان فرار کند، و به پاسبان حمله می کرد، من یکمک او رفتم»<sup>۵</sup>.

<http://www.chebayadkard.com>

حسن غفار بیگلو (پاسبان ۶۲۲) که محل توقف خود را داخل مسجدشاه لب حوض معرفی کرده می گوید:

«ساعت ده و نیم بود نخست وزیر آمد، بین حوض آب و سکوی نماز خواندن رسیده بود من صدای تیر شنیدم، فوراً به آن سمت رفتم، دیدم این آقایانی که آوردیم (اشاره به مصطفی پازوکی محافظ نخست وزیر) می خواهد فرار نماید، دست در جیب شلوار خود می کند، از عقب دستهایش را گرفتم، دیدم یک اسلحه در جیب دارد، اسلحه از

۵ (ا.د. این شخص می گوید محافظین رزم آرا را دستگیر کردیم ولی در ده قدمی می خواست فرار کند، درحالی که سبزی می گویند در پشت سر رزم آرا بوده اند).